

## روابط ناتو و روسیه شکاف یا تعامل

مجید بزرگمهری \*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

(تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۴ - تاریخ تصویب: ۹۰/۱۱/۱۵)

چکیده:

تداوم حیات ناتو پس از جنگ سرد و انحلال پیمان ورشو و گسترش آن به شرق پرسش هایی عدیده را در باره آینده این سازمان مهم نظامی - سیاسی در نظام بین الملل به میان آوردن است. عضویت ده کشور از حوزه بالتیک و اروپای شرقی روند رو به گسترش این سازمان را نشان می دهد. سه کشور جمهوری چک، لهستان و مجارستان در مارس ۱۹۹۹ و هفت کشور بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، اسلواکی و اسلونی در مارس ۲۰۰۴ به ناتو ملحق شده اند. این سازمان همکاری هایی با گرجستان و مولداوی آغاز کرده است که خطوط قرمز روسیه تلقی می شوند. کشور روسیه نیز در دو دهه اخیر با مسائل متعدد در سیاست خارجی خود روبرو بوده است. نیاز به فن آوری، سرمایه و صنعت غرب در عصر جهانی شدن از یکسو و نیاز به حفظ هویت مستقل و استحاله نشدن در نظام سیاسی و اقتصادی بلوک رقیب از سوی دیگر، سیاست خارجی فدراسیون روسیه را به سمتی سوق داده که به هژمونی منطقه ای محدود تن دهد و خط قرمز خود را کشورهای اوکراین، گرجستان و مولداوی اعلام کند. اگر چه ناتو عضویت اوکراین و گرجستان و حتی خود روسیه را با شرایط خاص در دورنما دارد ولی تا تحقق این موارد اما و اگرهای بسیار وجود دارد. پرسش محوری در این مقاله ارزیابی روابط ناتو و روسیه در روند کلی سیاست ناتو در گسترش به شرق است. واکنش روسیه به این روند چیست؟

واژگان کلیدی:

ناتو، گسترش به شرق، روسیه، آمریکا

Email: bozorg\_majid@yahoo.com

\*فکس: ۰۲۸۱۸۳۷۱۶۰۶

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"نظریه پردازی در همگرایی اروپایی، گذر از نظریات فراگیر به نظریات بخشی"، شماره ۷۳، سال ۸۵، "پیش درآمدی بر بحث اسلامی سازی دانش سیاست در ادبیات دانشگاهی ایران"، دوره ۴۰، شماره ۴، سال ۸۹

**مقدمه**

انحلال پیمان ورشو و تداوم حیات ناتو و گسترش آن به مرزهای مجاور روسیه، چالش‌های عدیده را برای فدراسیون روسیه به دنبال داشته است. عضویت ده کشور از حوزه بالتیک و اروپای شرقی در ناتو باعث بروز حساسیت‌های بسیار در سیاست امنیتی روسیه شده است. این کشور در دو دهه اخیر با مسائل متعدد در سیاست خارجی خود روبرو بوده است. نیاز به فن آوری، سرمایه و صنعت غرب در عصر جهانی شدن و تن دادن به واقعیت قدرت روزافزون غرب از یکسو و نیاز به حفظ هویت مستقل و استحاله نشدن در نظام سیاسی و اقتصادی بلوک رقیب از سوی دیگر، سیاست خارجی فدراسیون روسیه را به سمتی سوق داده است که به هژمونی منطقه‌ای محدود تن دهد و خط قرمز خود را کشورهای اوکراین، گرجستان و مولداوی اعلام کند. اگر چه ناتو عضویت اوکراین و گرجستان و حتی خود روسیه را با شرایط خاص در دورنما دارد ولی تا تحقق این موارد اما و اگرهای بسیار وجود دارد.

پرسش محوری در این مقاله ارزیابی روابط روسیه و ناتو در دو دهه اخیر است. آیا روند روابط این دو به تعامل نسبی و حل اختلافات منجر شده یا شکاف ناتو و روسیه را عمیق‌تر کرده است؟ چه پیش‌بینی را می‌توان برای آینده عرضه کرد؟ بررسی این موضوع در طراحی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز اهمیت دارد؛ زیرا ایران با رصد سطح روابط ناتو با روسیه می‌تواند از شکاف‌های احتمالی برای تامین منافع ملی خود استفاده کند و متوجه تهدیدات احتمالی نیز باشد. اگر چه در منابع فارسی موضوع روابط ناتو و روسیه تا حدودی بررسی شده لیکن تکیه اصلی این مقاله بر منابع مستند، اسناد ناتو و وزارت امور خارجه روسیه است و تلاش می‌شود به آخرین اسناد موجود توجه شود.

**۱- مباحث نظری حول تعامل روسیه با ناتو****۲.۱. نگرش واقع‌گرایانه**

ناتو در طول دوره جنگ سرد به خوبی توانست از انجام مهم‌ترین ماموریت خود یعنی بازدارندگی طرف خصم از تهاجم به کشورهای عضو برآید و بنیان اتحاد قوی در عرصه نظامی را بنا نهاد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بستر تغییر نظام بین‌المللی را فراهم آورد. از جمله اصول حاکم بر نظریه واقع‌گرایی ساختاری، تاکید بر سوق یافتن جهت‌گیری نظام بین‌الملل به نفع طرف قدرتمندتر در شرایط بروز تغییرات اساسی در توانمندی دو طرف است (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). در این راستا، طرف قویتر می‌کوشد برای حفظ هژمونی، خود را با شرایط و نیازهای جدید منطبق کند و طرف ضعیف نیز می‌کوشد جایگاه خود را حتی الامکان در

رتبه ای پائین تر حفظ کند یا با روش های مختلف جایگاهی برای خود در تصمیم گیری کلان جهانی باز کند و عنوان قدرت جهانی را از دست ندهد. سیاست جدید ناتو در گسترش حوزه های جغرافیایی تحت پوشش و افزایش شرح وظایف آن و سیاست های روسیه در قبال گسترش ناتو در همین راستا ارزیابی می شود.

## ۲.۲. نگرش وابستگی متقابل

با عنایت به اینکه در چهارچوب وضعیت وابستگی متقابل، کشورها به طور فزاینده با یکدیگر در حوزه های مختلف پیوند می خورند، لذا وابستگی متقابل به حوزه های اقتصادی، تجاری و فناوری و یا علمی محصور نمی ماند و به حوزه نیازهای امنیتی نیز سرایت می کند. بر طرف کردن نیازهای متقابل در حوزه امنیتی، تعامل مثبت و در عین حال کنترل شده را طلب می کند که روابط مسکو و ناتو در همین راستا ارزیابی می شود. نوسازی ساختار، تجهیزات و فنون رزمی ارتش روسیه و آگاهی از آخرین دستاوردهای غرب در مسائل نظامی، روسیه را به تعامل با ناتو رهنمون می سازد. ناتو نیز سعی دارد در حوزه مبارزه با تروریسم از حمایت روسیه برخوردار شود.

## ۳. تحولات روابط ناتو با روسیه در دو دهه اخیر

### ۳.۱. شکل گیری روابط

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و انحلال پیمان ورشو، ناتو طرح نزدیکی به دول اروپای مرکزی و شرقی را طراحی کرد و شورای همکاری آتلانتیک شمالی/ NACC را در دسامبر ۱۹۹۱ با هدف گفتگو با کشورهای مزبور و روسیه جدید ایجاد کرد (Simon, 2008). (97: روسیه از همان ابتدا به عضویت این شورا درآمد و شورا شرایط ابتدایی آغاز گفتگو و رایزنی و نیز تحولات آتی را فراهم آورد (دارمی، ۱۳۸۶: ۱۸۶). نشست رهبران ناتو در ۱۹۹۴ در بروکسل گام نخست برای گسترش ناتو برای دوره پس از جنگ سرد بود. در بیانیه نهایی این نشست با اشاره به بند دهم پیمان واشنگتن از گسترش ناتو استقبال شد (مدکاف، ۱۳۸۸: ۱۶۰). ناتو با برپایی برنامه " مشارکت برای صلح/ PFP" زمینه همکاری و مشارکت ۲۴ کشور را ایجاد کرد که عمدتاً از دول استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند. از ۲۴ کشور مزبور ۱۲ کشور در برنامه بعدی تحت عنوان " سلول هماهنگی برای مشارکت/ PCP" در بلژیک شرکت کردند. روسیه نیز از جمله دول متقاضی پیوستن به برنامه " مشارکت برای صلح" بود (دارمی، پیشین: ۱۸۷).

روسیه پس از امضاء پیمان صلح دیتون در سال ۱۹۹۶، نیروی نظامی و کمک های تدارکاتی در اختیار نیروهای حافظ صلح تحت امر ناتو در بوسنی و هرزگوین قرار داد. (Fournet, 2007: 8) کمک و مساعدت روسیه به ناتو به عنوان کشور غیر عضو در خور توجه بود (دارمی، پیشین: ۱۸۷).

در اجلاس سران مادرید در جولای ۱۹۹۷ از سه کشور لهستان، مجارستان و چک دعوت به عمل آمد تا به عضویت ناتو درآیند. در همین اجلاس دو تحول عمده نیز اتفاق افتاد: یکی جایگزینی تشکیلات موسوم به " شورای مشارکت اروپا-آتلانتیک"/EAPC به جای " شورای همکاری آتلانتیک شمالی" و تشکیل دو نهاد " شورای دائمی ناتو-روسیه"/NRPJC و " کمیسیون ناتو-اوکراین" (Simon, 2008: 97). در مه ۱۹۹۷ با امضاء "قانون موسس روابط متقابل، همکاری و امنیت"/FAMRCS سنگ بنای همکاری رسمی ناتو و روسیه گذاشته شد (NATO-Russia Council, 2002). در این سند، ایجاد صلحی پایدار به عنوان هدفی مشترک مورد اشاره قرار گرفت. با امضاء این قانون رایزنی های منطقی میان ناتو و روسیه در حوزه موضوعات امنیتی مشترک آغاز و هیأت نمایندگی روسیه در ناتو مستقر شد (دارمی، پیشین: ۱۸۸). شورای دائمی ناتو- روسیه نیز به عنوان محفلی برای مشورت و همکاری، فعالیت خود را آغاز کرد (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۶: ۹۳). در اجلاس سران واشنگتن در ۱۹۹۹، " طرح عملیاتی عضویت"/MAP به عنوان مبنای سیاست " درب باز" بر اساس ماده ده منشور برای عضویت و پذیرش اعضاء جدید قرار گرفت و عضویت سه کشور لهستان، مجارستان و چک قطعی شد.

حساسیت روسیه با حضور فعال تر ناتو در معادلات شمال بالکان به ویژه مسائل کوزوو تشدید شد. در ۱۹۹۹ بر سر حمله هوایی ناتو به کوزوو میان روسیه و ناتو اختلاف به وجود آمد. روسیه مخالف عملیات هوایی ناتو در این بحران بود و سیاست ناتو را یک طرفه می دید (Jackson, 2002). به دنبال این واقعه، روسیه مشارکت خود در شورای دائمی مشترک را که تا آن زمان در سطح سفراء و وزراء به طور منظم ادامه داشت به حالت تعلیق درآورد. با این حال، چندین فعالیت همکاری از جمله عملیات حفظ صلح در بوسنی و هرزگوین بدون وقفه ادامه یافت (Fournet, 2007: 8).

روسیه در همین اثناء، نقش مهم دیپلماتیک در حل بحران کوزوو ایفاء کرد (Op.cit: 4). در ژوئن ۱۹۹۹ هنگامی که نهایتاً نیروی ناتو در کوزوو مستقر شد، نیروهای حافظ صلح روسیه بخشی از آن نیروها بودند (NATO-Russia Council, 2002). در ۱۲ اوت ۲۰۰۰، غرق شدن زیر دریایی روسی "گورسک" که منجر به کشته شدن ۱۱۸ خدمه زیر دریایی شد، عاملی بود که

روسیه را تهییج کرد از امداد رسانی و تجربیات ناتو در آینده استفاده کند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۹۴:۱۳۸۶).

البته گروه نومحافظه کاران در آمریکا تمایل به کاستن نقش و تضعیف جایگاه روسیه در نظام بین‌المللی داشتند؛ لیکن روابط شخصی جرج بوش و پوتین باعث می‌شد تا روسیه از جانب ناتو زیاد احساس خطر نداشته باشد. این بحث نزد مقامات روسی مطرح شد که گسترش ناتو بیشتر ماهیتی سیاسی دارد تا نظامی و لذا روسیه می‌تواند در موضوع مقابله با گسترش ناتو بازنگری مثبت کند (Baker, 2001).

### ۳.۲. گسترش روابط

حادثه یازده سپتامبر در تقویت روابط ناتو- روسیه موثر بود. پدیده تروریسم به عنوان تهدید مشترک زمینه افزایش روابط ناتو- روسیه را مهیا کرد (Fournet, 2007: 8). وجوه اشتراک متعدد در این دوره هویدا شد که عبارت بودند از: مبارزه با تروریسم جهانی، بی‌ثباتی در ارو- آسیا، خطر تکثیر سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی و نقل و انتقال آنها.

برای ناتو، نزدیکی به روسیه اهمیت بسیار داشت؛ اگر چه از توان نظامی روسیه پس از فروپاشی به شدت کاسته شده بود؛ ولی نفوذ سیاسی برادر بزرگ تر هنوز بر سر جمهوری‌های استقلال یافته و اروپای شرقی سایه افکننده بود و استفاده از بازار این کشورها برای آمریکا و دول اروپایی عضو ناتو مهم بود. ارتباط ناتو با روسیه حداقل باعث کاهش موانع برقراری روابط تجاری، سیاسی و فرهنگی می‌شد. ناتو همچنین می‌توانست از منابع اطلاعاتی و امنیتی روسیه در مبارزه با تروریسم در جنوب آسیا و به طور خاص افغانستان و گرجستان استفاده کند (Jackson, 2002).

از سوی دیگر، روسیه یکی از بزرگ‌ترین منابع مواد هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک تلقی می‌شد که چنانچه گروه‌های تروریستی بدانها دست می‌یافتند خطر جدی برای جامعه جهانی ایجاد می‌شد. برای روسیه نیز موضوع مبارزه با تروریسم به ویژه مخاطرات تروریستی در چین و ازبکستان اهمیت داشت. حضور آمریکا در افغانستان و سرکوب طالبان باعث تقویت امنیت مرزهای جنوبی روسیه می‌شد (Ibid). در مجموع از منظر روسیه، حمله آمریکا به طالبان در افغانستان گامی مثبت بود که به امنیت روسیه کمک می‌کرد (Fournet, 2007: 9).

روسیه تمایل نداشت از گروه‌های تروریستی در افغانستان و یا سایر نقاط برای تضعیف هژمونی آمریکا و یا ایجاد مشکل برای قوای ناتو استفاده کند (Jackson, 2002). روسیه بطور مستمر گرجستان را متهم می‌کرد در منطقه "پانکیسی گرج" مکانی امن و بهشت برای تروریست‌های القاعده و شورشیان چچنی ایجاد کند. در اوایل ۲۰۰۲، دولت آمریکا قوایی را

به گرجستان اعزام داشت تا عوامل القاعده را در منطقه مزبور (خط مرزی چین و گرجستان) پاکسازی کنند که این اقدام مورد تأیید روسیه بود (Ibid). نیروهای امنیتی روسیه مدعی بودند نزدیک دو هزار نیروی مسلح که اغلب چچنی هستند تحت حمایت دولت گرجستان در منطقه "پانکیسی گرج" حضور دارند. روسیه موضوع چچن ها را یک مشکل تروریسم جهانی می‌دانست و مدعی بود که رقمی برابر ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ نیروی خارجی از القاعده به چچنی ها در منطقه مزبور کمک می‌کردند (Ivanov, 2002).

موضوع مقابله با بی ثباتی در آسیای میانه محور مشترک دیگر ناتو- روسیه بود. از ۱۱ سپتامبر به بعد، سه جناح آمریکا، روسیه و ناتو درصدد مبارزه با بی ثباتی در آسیای میانه برآمدند. ۱۱ روز پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، پوتین رئیس جمهوری وقت روسیه به بوش تضمین داد که به استقرار قوای آمریکا در آسیای میانه برای مبارزه با تروریسم اعتراض نکند (Jackson, 2002). بدین ترتیب، هواپیماهای نظامی آمریکا از امکانات فرودگاه خان آباد ازبکستان، فرودگاه غیرنظامی قرقیزستان، ماناس در بيشکک (Reuters, 2002) و پایگاه هوایی تاجیکستان استفاده کردند (Jackson, 2002).

رویکرد مثبت روسیه به حضور ناتو در آسیای میانه فضا را برای تقویت بیشتر روابط دو جانبه مهیا کرد؛ به نحوی که در اجلاس سران ناتو و روسیه در ۲۸ مه ۲۰۰۲ در رم، تشکیلات شورای ناتو- روسیه (NRC) با شعار "روابط روسیه- ناتو: کیفیتی جدید" جایگزین تشکیلات "شورای مشترک دائمی ناتو- روسیه" شد. محورهای مورد نظر در این تشکیلات عبارتند از: مبارزه با تروریسم، مدیریت بحران ها، مقابله با تکثیر سلاح های کشتار دسته جمعی، اقدامات اعتماد سازی و کنترل تسلیحات، سیستم دفاع موشکی میدانی، جستجو و نجات دریایی، همکاری نظامی و اصلاح سازوکار دفاعی، مدیریت بحران پس از حوادث غیرمترقبه، تهدیدات و چالش های جدید (NATO-Russia Council, 2002).

از سال ۲۰۰۲ تاکنون جلسات شورای ناتو- روسیه به طور منظم برگزار می‌شود. روسیه نیز یک هیئت نمایندگی در مقر فرماندهی ناتو در مرکز "شیپ" تاسیس کرد و ناتو نیز دفتر اطلاعات در مسکو را باز کرد (Fournet, 2007:9). شورای ناتو- روسیه دارای کمیته های مشورتی و نظامی متعدد است. نشست های شورای دائمی مشترک به شکل ناتو + ۱ بود؛ ولی نشست های شورای ناتو- روسیه به صورت ۲۷ تایی یعنی روسیه در کنار سایر اعضا برگزار می‌شد. ریاست نشست ها که در سطوح مختلف برگزار می‌شود؛ بر عهده دبیر کل ناتو است. این نشست ها دست کم یک بار در ماه در سطح سفرا، دوبار در سال در سطح وزرا خارجه و بر حسب ضرورت در سطح سران برگزار می‌شود. یک کمیته مقدماتی ماهانه دوبار تشکیل

جلسه می‌دهد و بر همکاری های جاری نظارت می‌کند. جلساتی نیز به صورت ماهانه بین نمایندگان نظامی و سالی دوبار در سطح روسای ستاد مشترک قوای مسلح برگزار می‌شود. شورای ناتو-روسیه و ساختارهای زیرمجموعه آن، بر اساس اصل "اجماع و گفتگوی سیاسی مستمر" عمل می‌کنند. این شورا توانست بر سر مسائلی امنیتی بهتر زمینه همکاری را مهیا سازد و در مواردی مانند کنترل مرزها در بالکان، اصلاحات دفاعی در بوسنی در ۲۰۰۳ و یا انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در ۲۰۰۴ به تفاهم دست یابد. شورا در سال ۲۰۰۷ توانست بر سر اجرای آزمایشی طرحی برای مبارزه با مواد مخدر به توافق برسد (احمدی نفورکی، ۱۳۸۷: ۱۹).

در بحث مبارزه با تروریسم پس از اینکه در تابستان ۲۰۰۴ چند حادثه تروریستی شدید در روسیه اتفاق افتاد؛ شورای ناتو-روسیه برای نخستین بار نشست اضطراری برگزار کرد. تصویب "برنامه اقدام ناتو-روسیه در خصوص تروریسم" در دسامبر ۲۰۰۴ حاصل این همکاری بود. برنامه مزبور حاوی اقدامات پیشگیرانه است که از جمله آنها اجرای قرارداد منع گسترش تسلیحات کشتار دسته جمعی، مشارکت نیروی دریایی در "عملیات تلاش فعالانه" در دریای مدیترانه، محافظت از پروازهای غیر نظامی، مبادله گسترده اطلاعات جاسوسی و غلبه بر پیامدهای ناشی از حملات تروریستی است (همان: ۲۰).

در نشست شورای ناتو-روسیه در ۱۵ آوریل ۲۰۱۱ در زمینه روش های پیشگیری تروریسم، مقابله با فعالیت های تروریستی، مدیریت عواقب ناشی از تروریسم و تکمیل فعالیت های بین‌المللی توافق شد (NATO-Russia Council. 2011) ناتو و روسیه همچنین در زمینه مقابله با تهدیدات موشکی و تسلیحات کشتار دسته جمعی همکاری موثر داشته اند. در این ارتباط تمرین نظامی بزرگ فرماندهی مشترک با استفاده از سناریوهای رایانه ای برای ارزیابی مفهوم آزمایشی عملیات ها در دفاع موشکی میدانی، در مارس ۲۰۰۴ برگزار شد. متعاقب آن، تمرین نظامی دومی در مارس ۲۰۰۵ در هلند برگزار شد. در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶، گروه کاری ویژه دفاع موشکی میدانی رزمایش مشترک فرماندهی در تاسیسات شبیه سازی روسیه برگزار کرد. از ۲۳ تا ۲۶ اکتبر ۲۰۰۶، رزمایشی جدید با نام لاتزیو ۲۰۰۶ (Lazio 2006) در زمینه مقابله با پیامدهای حمله شبیه سازی شده با بمب کثیف (نوعی سلاح انفجاری که در آن از یک انفجار غیرهسته‌ای برای پراکندن مواد پرتوزا و آلوده کردن محیط استفاده می‌شود) با حضور تیم های واکنش اضطراری از کشورهای روسیه، ایتالیا، مجارستان، رومانی، اتریش و کرواسی برگزار شد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶: ۹۳). به نظر می‌رسد از نگاه ناتو، بزرگ ترین تهدید در زمینه گسترش تسلیحات هسته ای و موشک های پرتابی آن، کشور ایران است.

روسیه و ناتو به شکل رسمی توافق کرده اند که از هر اقدامی جلوگیری کنند که بتواند ایران را به قدرت هسته ای تبدیل کند (احمدی نفورکی، ۱۳۸۷: ۲۱).

در کشاکش این همکاری ها، ناتو گسترش خزنده خود را به شرق اروپا و حوزه بالتیک ادامه داد. در ۲۹ مارس ۲۰۰۴ هفت کشور بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی و اسلونی به عضویت رسمی ناتو درآمدند (احدی، ۱۳۸۶). حضور رسمی ناتو در حوزه بالتیک هم مرز شدن ناتو با روسیه را به ارمغان آورد. در واقع روسیه عملاً قدرت نفوذ خود را در کشورهای حوزه بالکان و بالتیک از دست داده بود و لذا مخالفتی آشکار نکرد زیرا که ابراز مخالفت صرفاً به آشکار شدن بیشتر ضعف خود منتهی می شد. البته روسیه در پاره ای از موارد حساسیت فراوان داشت که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. احتمال الحاق گرجستان و اوکراین به ناتو؛
۲. استفاده آمریکا از تجهیزات لجستیکی مستقر در رومانی و بلغارستان به صورت چرخشی؛
۳. برنامه ریزی برای بکارگیری موشک های سیستم دفاعی بالستیک آمریکا در لهستان و چک.

بی میلی ناتو به برقراری روابط رسمی با سازمان معاهده امنیت جمعی (CSTO) که روسیه نفوذ زیادی در آن داشت از جمله حساسیت های روسیه بود (Fournet, 2007: 9).

### ۳.۳ جنگ روسیه با گرجستان و تاثیر آن بر روابط ناتو- روسیه

به دنبال چند درگیری میان گروه های مسلح در اوستیای جنوبی با نیروهای نظامی دولت گرجستان در ۷ اگوست ۲۰۰۸، رئیس جمهوری گرجستان ساکاشویلی / Sakashvili به قوای گرجستان دستور داد در استان های شورشی با مقابله با شورشیان، اقدام به اعاده حاکمیت و قانون کند و حاکمیت تفلیس را بر اوستیای جنوبی تثبیت کنند (Hass, 2009: 4). گروه های شورشی تحت حمایت روسیه بودند و قوای روسیه در حمایت آنها وارد عمل شد و در منطقه اوستیای جنوبی و ابخازیا مستقر شدند. با آغاز درگیری میان قوای گرجستان و روسیه، نیرو هوایی روسیه مناطق دیگر گرجستان را بمباران کرد و نیروی دریایی روسیه نیز عملیات محاصره بنادر گرجستان در دریای سیاه را آغاز می کند. در ۱۱ اگوست، حملات قوای روسیه علیه گرجستان شدت می گیرد به حدی که قوای گرجستان توانایی مقابله نداشتند (Nicoll, 2008). در ۱۲ اوت، گرجستان و روسیه اعلان آتش بس کردند و طرح صلح



۶ بندی را بر پایه میانجیگری سارکوزی رئیس جمهور فرانسه و رئیس دوره ای اتحادیه اروپا امضاء کردند.

### واکنش ناتو

ناتو به دنبال قضایای گرجستان بخش اعظم همکاری سیاسی و نظامی خود با روسیه را متوقف کرد. در ۱۹ اوت، وزرای خارجه ناتو اعلام کردند عملیات نظامی روسیه غیر قابل تأیید و مغایر با نقش حافظ صلح و ناسازگار با اصول حل و فصل صلح آمیز منازعات در چهارچوب پیمان هلسینکی است. بدین ترتیب، فعالیت های شورای ناتو- روسیه به حالت تعلیق درآمد. مدودوف رئیس جمهوری روسیه در واکنش به مواضع ناتو، تهدید به قطع کامل روابط روسیه با ناتو کرد و تمامی همکاری های روسیه با ناتو را به حالت تعلیق درآورد. تنها برنامه همکاری روسیه با ناتو در افغانستان فعال باقی مان (NATO-Russia Links, 2008).

ناتو سعی کرد با حمایت های معنوی، پشتیبانی خود را از مواضع گرجستان به صورت ضمنی اعلام دارد. ایجاد کمیسیون ناتو- گرجستان و برگزاری نشست مقامات عالی رتبه ناتو در نیمه های سپتامبر ۲۰۰۸ در تفلیس نمایشی از حمایت معنوی از گرجستان بود. البته در دسامبر ۲۰۰۸ وزرای خارجه ناتو از اعطای وضعیت طرح عملیاتی عضویت (MAP) به گرجستان و اوکراین خودداری کردند؛ ولی در عوض موضوع اصلاحات بیشتر در بدنه ارتش های کشورهای گرجستان و اوکراین را از مجرای کمیسیون های ناتو - گرجستان و ناتو- اوکراین مورد تشویق قرار دادند (Hass, 2009: 6).

اقدامات روسیه در گرجستان زنگ خطری برای ناتو بود که روسیه نسبت به حوزه نفوذ سنتی خود فوق العاده حساس است و از سوی دیگر تأییدی بود بر دیدگاه کشورهای لهستان، چک و دول بالتیک که خطر روسیه را جدی اعلام می داشتند. این دسته از کشورها از ناتو خواستار بررسی سیاست جدی و تأکید اساسی بر دفاع جمعی مبتنی بر اصل ۵ پیمان ناتو هستند. این کشورها در قبال سیاست عملی ناتو در حمایت از مرزهای آنها در قبال تهدیدات روسیه دچار تردید هستند (Meeting of the North Atlantic Council, 2008).

### تجدید و بهبود روابط پس از حوادث گرجستان

از سپتامبر ۲۰۰۸، برخی از دول عضو ناتو که روابطی دوستانه تر با روسیه داشتند مانند فرانسه و آلمان بازگشت تدریجی به شرایط قبلی و برقراری روابط را آغاز کردند. در یک نشست غیررسمی ناتو در سپتامبر ۲۰۰۸ وزراء دفاع خواسته خود مبنی بر ادامه همکاری با روسیه در حوزه های مانند مبارزه با تروریسم، افغانستان و معاهده نیروهای متعارف در اروپا

و تسلیحات هسته ای را اعلام داشتند (6: Hass, 2009). البته به دنبال سخنرانی مدودوف در ۵ نوامبر در پارلمان مبنی بر بکارگیری پایگاه موشکی در کالینگراد برای مقابله با پایگاه موشکی دفاعی آمریکا تا حدی روابط را تیره ساخت (Ibid).

در دسامبر ۲۰۰۸، وزرای خارجه ناتو با برقراری نشست های غیر رسمی در قالب شورای ناتو- روسیه موافقت کردند؛ لیکن اعلام داشتند اقدام روسیه در اشغال آبخازیا و اوستیای جنوبی را محکوم کرده و تهدید مدودوف به استقرار موشک در کالینگراد را نمی پذیرند. آنها در ۵ مارس ۲۰۰۹ تصمیم گرفتند گفتگوی رسمی با روسیه را صرفاً از مجرای شورای ناتو- روسیه ادامه دهند؛ هرچند که مسکو توافقات آتش بس ۱۲ اوت را رعایت نکرده است. این حرکت ناتو نوعی عقب نشینی از مواضع اعلامی قبلی خود بود. در نشست سران ناتو در استراسبورگ- کلن، اعلامیه ناتو دو موضوع متفاوت را در برداشت. از یک طرف از روسیه می خواهد تا به تعهد خروج قوای خود از مناطق جدای طلب گرجستان پایبند باشد و شناسایی استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی را محکوم می کند. از طرف دیگر بر تداوم همکاری با روسیه در حوزه های مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، منع تکثیر سلاح های کشتار دسته جمعی، کنترل تسلیحات و خطر جدید دزدی دریایی تاکید دارد و پیشنهاد می کند در زمینه سیستم دفاع موشکی روسیه، ناتو و آمریکا ارتباط برقرار شود (Blitz, 2008).

با از سرگیری روابط ناتو-روسیه موضوع اخراج دو دیپلمات روس از هیات نمایندگی روسیه در ناتو به اتهام جاسوسی تا حدی روابط دو طرف را تحت شعاع قرار داد؛ ولی به تشدید اختلافات منتهی نشد. در نهایت در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹ و یک سال پس از حوادث گرجستان، سرگی لاروف در نشست شورای ناتو-روسیه در سطح وزراء امورخارجه شرکت کرد و طی آن طرفین تصمیم به آغاز همکاری نظامی گرفتند (6: Hass, 2009).

#### ۴. اولویت ها و حساسیت های روسیه در سیاست خارجی

##### ۴.۱. حفظ هژمونی منطقه ای

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فدراسیون روسیه سعی کرد با ایجاد نهاد کشورهای مستقل مشترک المنافع استیلای منطقه ای خود را حداقل بر آسیای میانه و سرزمین های همجوار اروپایی و آسیایی خود حفظ کند. کشورهای عضو این نهاد قرارداد سازمان امنیت دسته جمعی (CSTO) را در ۲۰ آوریل ۱۹۹۴ به امضاء رساندند. سند رسمی مبانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه ۲۰۰۸ تقویت روابط دو جانبه و چند جانبه با کشورهای مستقل مشترک المنافع را از اولویت های سیاست خارجی روسیه می داند و ضمن اشاره به ضرورت تقویت امنیت منطقه ای روسیه، تاکید ویژه بر گسترش فعالیت های سازمان امنیت دسته جمعی دارد (The Foreign Policy Concept, 2008).

در این چارچوب، می توان اعلام داشت که هویتی ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی روسیه حاکم است و این هویت در تعامل با عملگرایی ایجاد شده پس از فروپاشی، باعث شده تا این کشور ضمن تن دادن به مقوله گسترش ناتو به شرق، حتی الامکان مانع از نفوذ در مناطق پیرامونی و حائل خود شود (احدی، ۱۳۸۶).

دکترین نظامی روسیه که در نوامبر ۱۹۹۳ به تصویب شورای امنیت این کشور رسید بر این نکته تاکید دارد که در صحنه جهانی روسیه هیچ دشمنی ندارد ولی مواردی را به عنوان تهدیدات امنیت ملی روسیه برمی شمارد:

۱. استقرار نیروهای نظامی در مرزهای روسیه که می تواند همبستگی حاکم بر نیروهای روسی را مختل سازد؛

۲. ورود نیروهای خارجی به اراضی کشورهای همسایه؛

۳. آموزش نیروهای مسلح در کشورهای دیگر برای ورود به خاک روسیه و متحدان آن (تسناپکشی، ۱۳۸۰: ۲۸).

سند دکترین نظامی و امنیتی روسیه در ۲۰۰۹ به مجموعه ای از تهدیدات خارجی و داخلی اشاره کرده است که به طور جدی برای روسیه مطرح است. مهمترین آنها عبارتند از:

- ادعای اراضی علیه فدراسیون روسیه؛

- منازعات مسلحانه و فراتر از همه درگیری های موجود در نزدیکی مرزهای روسیه و متحدان آن؛

- لشکر کشی نیروهای خارجی (بدون مجوز شورای امنیت) به خاک کشورهای مجاور دوست روسیه؛

- حمله به تاسیسات نظامی روسیه مستقر در خاک دولت های خارجی و نیز به تاسیسات مستقر در مرزهای روسیه و متحدان آن (موسوی، ۱۳۸۹)

بنا به نظر "اورل برون" کارشناس مسائل روسیه، این کشور درصدد ایجاد سلطه/هژمونی در مناطق همجوار خود است. از نظر برون، تیم پوتین (که شامل مدودف نیز می شود) معتقد است در آینده نه چندان دور، روسیه به قدرت سابق خود بازمی گردد و نگاه هژمونیک منطقه ای روسیه با طرح های گسترش ناتو در تعارض است. دیپلماسی پوتین که به دیپلماسی پتر کبیر / Petro-Diplomacy مشهور است تسلط بر مناطق همجوار را مورد توجه دارد (Braun, 2008: 189). مقاله ای دیگر با عنوان "گسترش و مخاطرات مهار سازی" علت مخالفت اساسی روسیه با عضویت اوکراین و گرجستان در ناتو را احساس خطر از خدشه دار شدن هژمونی منطقه ای خود می داند (Braun, 2008: 57).

سرگئی لاروف وزیر خارجه روسیه اعلام داشت که سیاست ناتو برای ایجاد فضا جهت عضویت اوکراین را اقدامی مخالف منافع روسیه می‌داند (Lavrov, 2008). روسیه بر این باور است که بخشی عمده از مردم اوکراین موافق پیوستن به ناتو نیستند. از نظر روسیه، اوکراین با عضویت در ناتو مجبور می‌شود تعهدات خود را به روسیه در عرصه ناوگان دریای سیاه ملغی کند که قرار است تا سال ۲۰۱۷ در "سواستوپول" مستقر باشد (احمدی لفورکی، همان: ۳۹). در ارتباط با جمهوری مولداوی، روسیه به دنبال تداوم نفوذ خود در این کشور است. مولداوی به علت محدودیت‌های موجود در قانون اساسی اش به دنبال عضویت در ناتو نیست اگر چه در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح فعال است. معضل اصلی مولداوی عدم کنترل آن بر "ترانس نیستریا" است؛ منطقه‌ای که در آن رژیم جدایی طلب ارتودوکس-کمونیست و تحت حمایت روسیه استقرار یافته است (همان: ۳۹).

#### ۴.۴. تشکیل نهادهای جدید فراگیر برای امنیت اروپا

روسیه به موازات برنامه همکاری با ناتو که وضعیت عینی نظام بین‌المللی آن را ایجاد می‌کند؛ طرح‌های را برای تشکیل نهادهای جدید امنیتی با ماهیتی فراگیر پیشنهاد می‌کند. مدودوف رئیس جمهور روسیه در نشست سران ناتو سخن از تشکیل نهادهای جدید همکاری - امنیتی برای پوشش حوزه جغرافیایی از ونکور تا ولادی وستک می‌گوید. (Lavrov, Ibid) در نشست وزرای خارجه سازمان امنیت و همکاری در اروپا در کارفو یونان در ژوئن ۲۰۰۹، سندی با عنوان "روند کارفو" به امضاء رسید که طی آن روندی هماهنگ میان دولت‌های اروپایی در حفظ امنیت پیش بینی شده بود. در نشست مزبور وزیر خارجه روسیه با تکیه بر نظرات مدودوف (در نشست ۲۰۰۸) پیشنهاد انعقاد معاهده امنیتی اروپا (EST) را مطرح کرد. این فکر در واقع دنباله همان نظریه مدودوف حول معماری جدید امنیت اروپا مطرح شده بود (بارتوش، ۱۳۸۸).

روسیه معتقد است که حفظ امنیت اروپا صرفاً از مجرای ناتو محقق نمی‌شود. روسیه با پیشنهاد نهادهای دیگر می‌کوشد مشکل اصلی خود با ناتو یعنی عدم حق برابر و به عبارتی وتو در تصمیم‌گیری را جبران کند. در این نهادهای جدید، روسیه از بدو تاسیس به عنوان عضو مهم و کلیدی خواهد بود. وزیر خارجه روسیه مدعی است هنوز فضای ایدئولوژیک سیاسی بر روابط ناتو- روسیه حاکم است. نامبرده عبارت "تأمین امنیت غیر قابل تجزیه و فراگیر برای تمام دول اروپایی از ونکور تا ولادی وستک" را مطرح می‌سازد. ذکر منطقه ونکور حاکی از این نگاه است که روسیه حضور دول کانادا و آمریکا را در معادلات امنیتی اروپا صحیح می‌داند (Lavrov, Ibid).

## ۵. علل نزدیکی روسیه به ناتو

### ۵.۱. نفوذ خزنده چین

جهت گیری توسعه چین و سیاست نفوذ خزنده شهروندان چینی به مناطق خاور دور روسیه و احتمال تشدید اختلافات در مسئله صادرات منابع انرژی از جمله مواردی است که روسیه را به سوی قطب قدرت ناتو سوق می دهد (بارتوش، پیشین)

### ۵.۲. استفاده از فن آوری و سرمایه غرب

در شرایطی که قدرت اقتصادی، صنعتی و جاذبه های فرهنگی اروپا و آمریکا در موقعیت کاملا برتر نسبت به روسیه قرار دارد؛ روسیه می کوشد از این ظرفیت ها استفاده کند (همان). وزیر خارجه روسیه سرگئی لاروف در مقاله ای با عنوان دیپلماسی روسیه در جهانی متغیر می نویسد: " روسیه خواهان بر برقراری روابط با جهان بر پایه برابری و رعایت منافع دیگران تاکید می کند و اعلام می دارد کشورش به سرمایه گذاری، فن آوری های پیشرفته و عقاید ابتکاری، بازار جهانی بازو با ثبات علاقمند است " (Lavrov, Ibid).

### ۵.۳. حضور در معادلات امنیتی اروپا و کاهش حساسیت منفی ناتو به روسیه

حضور روسیه در مراجع تصمیم گیری ناتو باعث تقویت حضور این کشور در معادلات امنیتی اروپا می شود. روسیه می کوشد از مجرای همکاری با ناتو و یا عضویت در آن در آینده، ناتو را از مدار تهدید کنندگان مستقیم امنیت خود خارج سازد و امکان تاثیر گذاری کشورهای اروپای شرقی، مرکزی و بالتیک را در هدایت ناتو علیه روسیه از بین ببرد. در واقع ناتو با همکاری نزدیک با روسیه آستن یک تعارض است. دولت های مانند لهستان، چک و حوزه بالتیک نسبت به منویات روسیه علیه خود دچار تردیدهای اساسی هستند و شاید مهم ترین علت الحاق شان به ناتو دفع خطر روسیه بوده است. روسیه نیز می خواهد این دسته از کشورها از ظرفیت ناتو علیه منافع روسیه استفاده نکنند. از منظر روس ها، اگر جمهوری خواهان در آمریکا برخی از کشورهای جهان را سرکش می دانند روسیه نیز پاره ای از کشورهای فعلی عضو ناتو را سرکش نسبت به نظام بین المللی می داند (Braun, 2008:189). اورل برون معتقد است روسیه با حضور در ناتو هم زمینه شکاف در ناتو را موجب می شود و هم باعث تضعیف آن می گردد (Op.cit:190).

### ۵.۴. تقویت و مدرن سازی ارتش روسیه

بخشی مهم از فعالیت های شورای ناتو- روسیه در ارتباط با تقویت همکاری در حوزه های فنی، دفاع مشترک، نقل و انتقال قوا و تجهیزات، ارتباطات و نوسازی ارتش روسیه

است (Jackson, 2002). گزارش موسسه راند در باره روابط ناتو و روسیه از گسترده شدن سطح تبادل پرسنل، نیروهای آموزشی میان دو طرف خبر می دهد. ناتو شماری از دستورالعمل‌ها و جزوات آموزشی خود را که به استاندارد سازی ارتش روسیه کمک می کند در اختیار ارتش روسیه قرار داده است (Hunter, 2004).

### ۵.۵. اطلاع و استفاده از سامانه دفاع موشکی ناتو در اروپا

پیشنهاد روسیه مبنی بر تدوین سامانه دفاع موشکی مشترک با ناتو تحت نام ایجاد زنجیره دفاعی، حکایت از این دارد که روسیه قصد تهاجمی به حوزه اروپا ندارد و پیشنهاد می کند سامانه دفاعی موشکی اروپا بجای اینکه ماهیت رقابت آمیز و خنثی سازی متقابل داشته باشد؛ مجموعاً یک زنجیره دفاعی را ایجاد کند. پوتین در فوریه ۲۰۰۱ به دبیر کل ناتو پیشنهاد ساخت سامانه دفاع موشکی متحرک غیر استراتژیک برای اروپا را داد (احمدی لفرکی، پیشین: ۲۳). طرح مزبور در برخی از جهات با سیاست های ناتو همسویی دارد. ناتو سه برنامه را در عرصه سامانه دفاع موشکی دنبال می کند: ۱. تقویت دفاع موشکی میدانی؛ ۲. دفاع موشکی برای حفاظت از قلمروی ناتو (دفاع موشکی تمام عیار)؛ ۳. دفاع موشکی میدانی در همکاری با روسیه. روسیه تمایل دارد در برنامه دوم و اتصال به شبکه زنجیره ای قلمرو ناتو مشارکت کند تا قلمروی وسیع خود در این فضا حفاظت شود؛ ولی رویکرد ناتو فعلاً همکاری در حوزه دفاع موشکی میدانی است. تاکنون چهار رزمایش مشترک بین ناتو و روسیه در عرصه فرماندهی دفاع موشکی در ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۶: ۱۲۵) و آخرین در ژانویه ۲۰۰۸ در آلمان (احمدی لفرکی، پیشین: ۲۳) تحت نظارت شورای ناتو- روسیه برگزار شده است. البته اقدام مخاطره آمیز نومحافظه کاران در آمریکا مبنی بر استقرار پایگاه های موشکی در لهستان و چک، واکنش جدی روسیه را برانگیخت که این موضوع در نهایت با اقدام ابتکاری باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر لغو این طرح خاتمه یافت (Hass, 2009: 8).

### ۶. اختلافات اصلی و پیش رو

#### ۶.۱. برخورداری از حق وتو

وجه اصلی اختلاف روسیه با ناتو در این امر است که روسیه خواهان وزنه ای برابر با ایالات متحده آمریکا و حداقل حق وتو در تصمیمات شورای عالی ناتو است. روسیه معتقد است کشورش قدرتی برتر و بزرگ در اروپا-آسیا است و دارای وزن و نقشی مهم در حفظ امنیت اروپا و آسیا و معادلات امنیتی اروپا است. لذا کشورش باید در تصمیم گیری های امنیتی

این حوزه نقش و اثر کلیدی داشته باشد تا معادلات امنیتی به نفع اروپا و صلح جهانی تضمین شود (Goldgeier, 2010: 10)

### ۶.۲. عدم گسترش بیشتر ناتو در مرزهای روسیه

در شرایطی که روند گسترش ناتو به صورت خزننده مراحل خود را طی می کند و موضوع عضویت اوکراین هنوز در دست بررسی است و عضویت مونته نگرو با شرکتش در " طرح عملیاتی عضویت " و عضویت بوسنی - هرزگوین مطرح شده است؛ روسیه به شدت مخالف عضویت سه کشور اوکراین، گرجستان و ملداوی است (Goldgeier, 2010: 10). روسیه حساسیت جدی نسبت به روند گسترش ناتو به شرق دارد (قالیباف، ۱۳۸۸).

در اجلاس سران ناتو در ۲۰۰۹ اعلام شد درهای ناتو برای تمام دموکراسی های اروپایی باز است؛ دموکراسی هایی که بتوانند در ارزش های اتحادیه (ناتو) مشارکت ورزند و قادر به انجام مسئولیت ها و تعهدات عضویت باشند (The 2009 NATO Summit). سیاست کلی ناتو در این ارتباط عبارت از این است که دول آسیای میانه و قفقاز و سایر دولت ها در حوزه بالتیک و اروپای شرقی باید از آزادی کامل برای تصمیم گیری جهت الحاق و عضویت به ناتو برخوردار باشند. ولی ناتو تمایل به ایجاد حساسیت بیشتر نزد روسیه ندارد (Fournet, 2007: 10). باراک اوباما در راستای سیاست اعتماد سازی نزد مقامات روسیه شرطی دیگر را برای عضویت در ناتو اعلام داشت که عبارت بود از موافقت اکثریت شهروندان کشوری که بطور طبیعی از مجرای همه پرسی موضوع قابل استعلام است. ناتو نیز سعی کرده حتی الامکان حساسیت روسیه را دامن نزند. در بحران مولداوی، قوای روسیه با کمک قوای ناتو در عملیات حفظ صلح مشارکت برابر داشت و دولت مولداوی نیز در نهایت انصراف خود را از عضویت ناتو اعلام کرد (Ibid).

### نتیجه

در ارزیابی روند آینده روابط ناتو و روسیه می توان اظهار داشت که چند محور زمینه ساز شکاف میان دو بازیگر خواهد بود. میل روسیه به برخورداری از حق وتو در ناتو و مخالفت آمریکا و همپیمانانش با آن حساسیت فوق العاده روسیه به حفظ هژمونی منطقه ای خود در برابر سیاست گسترش ناتو و در نهایت احساس خطر اعضاء جدید ناتو در حوزه اروپای شرقی از تداوم سیاست های سلطه طلبانه روسیه نسبت به آنها عوامل تشدید اختلافات میان روسیه و ناتو است. البته باید توجه داشته باشیم که مقامات سیاسی در روسیه به عنوان ترفندی انتخاباتی نیز از موضوع مخالفت با ناتو استفاده می کنند؛ اما روسیه به فن آوری، سرمایه و

صنعت غرب نیازمند است و در دراز مدت نمی تواند مانع عضویت دول همجوار خود به ناتو شود؛ ولی تلاش دارد در سایه همکاری حساب شده از جهت گیری ناتو علیه منافع ملی خود جلوگیری کند. روسیه موفق شده است حساسیت خود به هژمونی منطقه ای و سرزمین های همجوار را به ناتو بفهماند و ناتو و ایالات متحده آمریکا نیز تمایل دارند راه تعامل با روسیه را در پیش گیرند و نفوذ خزننده و تدریجی در منطقه داشته باشند.

البته فکر ایجاد معماری جدید امنیتی در اروپا و پیشنهاد تشکیل نهادهای امنیتی جدید به عنوان راهکارهای پیشنهادی مطرح می شوند؛ لیکن سیاست روسیه در راه تعمیق بخشی و اجرایی ساختن این پیشنهادها نیست. در نتیجه، حداقل در دو دهه آتی احتمال بروز شکاف عمیق میان روسیه و ناتو نمی رود و بحران های مقطعی با رویکرد تسامح نسبی دو طرف بر طرف می شود.

## منابع و مأخذ:

### الف. فارسی:

۱. احدی، افسانه. (۱۳۸۶)، " ناتو و محیط امنیتی ایران " شماره ۹. معاونت پژوهش های سیاست خارجی/گروه مطالعات استراتژیک.
۲. احمدی لفورکی، بهزاد. (۱۳۸۷)، بولتن ویژه "روسیه و ناتو: مدیریت بحران ها یا افزایش تنش ها" تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران.
۳. بارتوش. الکساندر، " راهبرد روسیه- ناتو: همکاری و آینده نگری " روزنامه "بی زاوی سی مایا گازیتا" ایراس. انتشار اینترنتی، بدون تاریخ، دسترسی ۱۳۸۸/۱۲/۲۸.
۴. تسناپکشی، جیو. (۱۳۸۰)، " تداوم و تغییر در امنیت ملی و دکترین نظامی روسیه " ترجمه علی بختیاری پور، نگاه. سال دوم. ش ۲۰.
۵. دارمی، سلیمه. (۱۳۸۶)، ناتو در قرن بیست و یکم، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. (۱۳۸۶)، " سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) " تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه .
۷. قالیباف، محمد باقر. (۱۳۸۸)، علل گسترش ناتو به شرق. ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰ سایت اینترنتی. تاریخ دسترسی ۱۳۸۹/۱۲/۰۳.
۸. محمدی، محمود. (۱۳۸۹)، " اثر ماموریت های جدید ناتو بر منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران " مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک .
۹. مدکاف، جنیفر. (۱۳۸۸)، " ناتو سازمان پیمان اتلانتیک شمالی) گذشته، حال و آینده " ترجمه عسگر قهرمانپور بناب، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۰. موسوی، سید رسول. (۱۳۸۹)، " دکترین نظامی روسیه ، گزینه جدید ۲۰۱۰ " سند اینترنتی دسترسی ۱۳۸۹/۱۰/۱۲.

### ب. خارجی:

1. Baker, Peter. (2001), " Putin Offers West Reassurances and Ideas on NATO". Washington Post. 18 July 2001.



2. Blitz. J. , (2008)“ **NATO Seeks to Heal Divisions over Russia**” Financial Times. 3 December 2008.
3. Braun. Aurel. (2008), “**Conclusion, Tendencies and Prospects for Security and Democracy**”. Collections of Articles. Braun, Aurel. 2008. “ **NATO-Russia Relations in the Twenty-First Century**” Routledge. New York & London ISBN: 0203929012 | 219 pages.
4. Fournet .Jean. (2007), “**NATO REVIEW. Partnerships: Old and New**” . [www.nato.hnt/review](http://www.nato.hnt/review).
5. **The Foreign Policy Concept of the Russian Federation.**(2008) Approved by Dmitry A. Medvedev, President of the Russian Federation. 12 July 2008.
6. Goldgeier. James M. (2010), “ **The Future of NATO**” Council on Foreign Relations . Special Report. No.51. February 2010. New York.
7. Hass. Marcel de.( 2009),” **NATO-Russia Relations after the Georgian Conflict**” The Article from the Book “ **Russia’s Foreign Security Policy in the 21th Century: Putin, Medvedev and beyond**” Routledge , spring 2010.
8. Hunter. Robert E & Sergey M.Rogov. (2004), “ **Engaging Russia as Partner and Participant. The Next Stage of NATO-Russia Relations.** RAND National Security Research Division. 2004. RAND URL: <http://www.rand.org/>.
9. Ivanov .Igor. Russia Defense Minister. (2001), “ **New Russian Diplomacy: Ten Years of the Country’s Foreign Policy**” Moskova: OLMA Press.
10. Ivanov, Igor.(2002) Russia Defense Minister. (2002), “ **Countering International Terrorism by Military Force**” Speech at the 37 th Munich Conference on Terrorism. March 2. 2002.
11. Jackson. Nicole J. (2002) December 2002,“ **Russia-NATO Relations**” Prepared for the International Security Research and Outreach Programme International Security Bureau.
12. Lavrov.Sergey. (2000), “ **On the Caucasus Crisis and Russia’s Ukrainian Policy**” Weekly. 2000. No: 38. September. 19-25.Kyiv. 1397-20-09 .
13. Lavrov. Sergey.(2010), “ **Russian Diplomacy in a Changing World**” Federal Year Book. Vol.23. 30/04/2010.
- 14.Lavrov. Sergey .V. (2010), “ **Euro-Atlantic :Equal Security for All**” Defense Nationale. May 2010. Issue 24/05/2010.
15. **Meeting of the North Atlantic Council at the Level of Foreign Ministers Held at NATO Headquarters, 19 August 2008, [www.nato.int/docu/pr/2008/p08-104e.htm](http://www.nato.int/docu/pr/2008/p08-104e.htm).**
16. **NATO-Russia Council.** 28 may 2002, Wikipedia.
17. “**NATO-Russia Links Should Remain**” . BBC News. 25 August 2008.
18. **The NATO Summit declaration on alliance security** .[http://www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_52838.htm?mode=pressrelease](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_52838.htm?mode=pressrelease).
- 19.Nicoll .A.( 2008).“ **Russia’s rapid Reaction**” IISS Strategic Comments. Vol.14. No. 7. September 2008.
- 20.Simon. Jeffry.(2008), “ NATO enlargement and Russia” Collections of Articles. Braun, Aurel. 2008. “ **NATO-Russia Relations in the Twenty-First Century**” Routledge. New York & London.